
بسم الله الرحمن الرحيم

قواعد فقه (۲)

دانشکده الهیات ومعارف اسلامی

گروه فقه شافعی

استاد : دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

دستیار: فردین قمری

جلسه پنجم

قاعده

تصرف الإمام علي الرعية منوط

بالمصلحة

قاعده : " تصرف الإمام علي الرعية منوط بالمصلحة "

ترجمه : تنفيذ حکم یا عملکرد امام (حاکم) منوط به (رعایت) مصلحت است.

۱- مترادفات قاعده :

الف - " منزلة الولی من رعیته بمنزلة والی الیتیم من ماله " [الام : ۳۵۱/۵]
ب - " یتصرف الولاة و نوابهم بما ذکرنا من التصرفات مما هو الأصلح للمولی علیه ، درأً للضرر و الفساد و جلباً للأنفع و الرشاد" [القواعد الکبری ، عزالدین عبدالسلام :۱۵۸/۲]
ج - " الولی علیه أن یتصرف لمصلحة المولی علیه."
[مجموع الفتاوی، ابن تیمیه : ۴۰/۳۲؛ الفتاوی الفقهیه الکبری، ابن حجر هیتمی :۵۰/۳۰؛ حاشیه الشروانی علی تحفة المحتاج، عبدالحمید شروانی:۴۳۸/۸؛ الأشباه والنظائر ، تاج الدین سبکی :۳۱۰/۱.]

منظومه ابوبکر بن ابي القاسم الاهدل يمني شافعي درباره قاعده مذكور:

- *تصرف الامام علی الرعیة ٭ أنیط بالمصلحة المرعیه*
- *وهذه نص علیها الشافعی ٭ إذ قال قولاً ما له من دافع*
- *منزلة الامام من مرعیه ٭ منزلة الولی من مولِیِّه*
- *و أصلها روی من قول عمر ٭ فیما حکاه الأصل فانظر ما ذکر*
- *فلیلزم الامام فی التصرف ٭ علی الأنام منهج الشرع الوفی*

[نظم القواعد الفقهیه چاپ همراه کتاب الفوائد الجنیة :۱۸/۱.]

۲- مفهوم اجمالی قاعده :

مراد از قاعده آن است که عملکرد حاکم مسلمانان- در هر مرتبه ایی- در امور وابسته به رعیت خویش- خواه در امور دینی یا دنیوی - باید بر اساس مصلحت ونفع آنان باشد؛ به طوری که هر عملکرد مخالف مصلحت آنان باطل است.

قاعده ی مذکور ، قاعده ایی مهم در سیاست شرعی و اداره امور عامه محسوب می شود که دائر مدار عملکرد حاکمان و مسئولان ، جلب مصلحت و دفع مضرت می باشد،؛ چه آنکه مسئولان امر در حقیقت ، از نوع کارمندان به نفع خویش نیستند ، بلکه آنان نمایندگان مردم جهت تدبیر امور به نحو أحسن در جهت برقراری عدالت، حفظ حقوق، اخلاق ، ایجاد امنیت و توسعه دانش و ریشه کنی فساد در جامعه و به طور کلی موظف به محقق ساختن مصلحت عمومی جامعه هستند.

۳- مفهوم شناسی:

الف - تصرف: بر اساس استقراء در اقوال فقهاء ، مفهوم " تصرف" در نزد آنان با مفهوم لغوی آن مرتبط است که می توان به طور اجمال تعریف ذیل را ارائه داد:

" عملکرد اراده شخصی ، خواه از نوع قول یا فعل که شرعا آثاری برآن مترتب می گردد ؛ خواه آن عملکرد ، به نفع صاحبش باشد یا به ضررش" >>>>> [المدخل الفقهی العام ، زرقا : ۲۸۸/۱؛ الفقه الاسلامی وادلته ، زحیلی : ۸۳/۴ ؛ الموسوعه الفقهیه الکویتیه: ۲۷۱/۱۲.]

ب - واژگان مرتبط با امام :

اول - (راعی) : مراد از راعی هر آنکسی است که امری از شوؤن عمومی را برعهده گیرد؛ خواه راعی از نوع عام باشد، مانند خلیفه مسلمانان ، یا خاص مانند مسئولین مرتبه پایین تر از خلیفه مسلمانان (وزیر، مدیر کل ، رئیس اداره و ....)

که اعتبار و تنفید عملکرد آنان ، منوط به وجود مصلحت ومنفعت عمومی برای مسلمان است .

دوم - امام : مراد امام اعظم (خلیفه مسلمانان) است که رهبری داخلی و بین المللی مسلمانان را برعهده دارد.

سوم - ولی : «وجود صلاحیت یا سلطه شرعی برای شخصی بر شخصی دیگر یا اشخاص دیگر در امور آنان »

در تعریفی دیگر ولی عبارت است از :

«وجود حالت کمال در شخصی که از طریق آن در اداره امور اشخاص ناتوان ، اعمال نفوذ می کند.»

ولایت :

۱- ولایت عامه : همانند ولایت در دین ، دنیا ، نفس ومال است که متعلق به خلیفه ، معاونان، وزراء وقضات می باشد که به تدبیر امور عمومی مردم می پردازند.

۲- ولایت خاصه : ولایت در عقد عقود (قراردادها) بدون اذن از دیگران

ولایت خاصه >>>

۱- ولایت بر نفس (ولایت بر دیگران در تربیت و تزویج دیگران)
۲- ولایت بر مال : حق تصرف مالی

تقسیمی دیگر از ولایت خاصه :

۱- ولایت خاصه اصیل ۲- ولایت خاصه نیابتی (وکیل)

چهارم – مصلحت : " جلب مصلحت ودفع مضرت " یا " حفظ مقصود شرع : حفظ دین ، نفس ، مال ، عقل ونسل)

۴- مستندات قاعده :

قاعده مذکور دارای ادله فراوانی از کتاب ، سنت، و اثر می باشد که بیانگر وجوب رعایت مصلحت از سوی راعی نسبت به رعیت می باشد، از جمله :

اول- کتاب :

أ - «وَلاَ تَقْرَبُواْ مَالَ الْيَتِيمِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» [انعام:۱۵۲] «و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به شیوه ایی که آن بهتر است تا آنکه به کمال رشدش برسد.»

ب - «وَأَن تَقُومُواْ لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ.»[نساء:۱۲۷] «و آنکه با یتیمان به داد رفتار کنید.»

وجه استدلال : خداوند متعال ، دخل و تصرف در مال یتیم را در این آیات ، منوط به رعایت مصلحت از قبیل رعایت عدالت و سرمایه گذاری با مال یتیم با هدف ترقی دارایی او دانسته است.

ج - «**إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً.**» [نساء:۵۸]

«وخداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش بسپارید وچون درمیان مردم حکم کنید به حکم عدل [و انصاف] حکم کنید نیکو چیزی است که خداوند شما را به آن اندرز می دهد و خداوند شنوای بیناست.»

وجه استدلال : آیه مذکور عام است در تمام مردم وهمه شؤون آنان مرتبط با امانت؛ از قبیل تقسیم اموال ، ارجاع ، ودادن حقوق مردم و رعایت عدالت در امور مختلف.

دوم – سنت :

أ – از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که گفت از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود:«« كُلُّكُمْ راع، و كُلُّكُمْ مسئولٌ عنْ رعِيَّتِه، والأِمَامُ رَاع، ومسئولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، والرَّجُلُ رَاع فی أَهْلِهِ ومسئولٌ عَنْ رَعِيَّتِه، والمرْأَةُ راعِيةٌ فی بيْتِ زَوْجهَا ومسئولةٌ عنْ رعِيَّتِهَا، والخَادِمُ رَاع فی مال سيِّدِهِ ومسئولٌ عَنْ رَعِيَّتِه، فكُلُّكُمْ راع وَمسئولٌ عنْ رعِيتِهِ» [صحيح بخاری، حديث شماره ۲۴۰۹؛ صحيح مسلم، حديث شماره،۱۸۲۹]

ب: از ابو یعلی معقل بن یسار رضی الله عنه روایت شده که:از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «ما مِن عبدٍ يسترعِيهِ اللَّه رعيَّةً ، يَمُوتُ يومَ يَموتُ وهُوَ غَاشٌ لِرَعِيَّتِه، إلاَّ حَرَّمَ اللَّه علَيهِ الجَنَّةَ » متفقٌ عليه.

ج: روایت علی بن ابی طالب از رسول الله صلی الله علیه وسلم: « لا طاعةَ فی معصيةِ اللهِ، إنما الطاعةُ فی المعروفِ.»

وجه استدلال : از آن جهت که عملکرد حاکم بر خلاف مصلحت وعدالت ،معصیت محسوب می شود پس اطاعت از او جایز نیست واین حکم ، بیانگر وجوب رعایت مصلحت از طرف حاکمان ومردم است .

سوم – اثر :

عمربن خطاب : «إِنِّی أَنْزَلْتُ مَالَ اللَّهِ مِنِّی بِمَنْزِلَهِٔ مَالِ الْیَتِیمِ، إِنِ احْتَجْتُ أَخَذْتُ مِنْهُ، فَإِذَا أَیْسَرْتُ رَدَدْتُهُ، وَإِنِ اسْتَغْنَیْتُ اسْتَعْفَفْتُ»

۵– تطبیقات قاعده :

۵-۱- حاکم ، ولی شخص بدون ولی است ؛ بنابراین برای او عفو (مجانی) قاتل جایز نیست و با عفو او ، قصاص از قاتل ساقط نمی گردد ؛ چه آنکه حاکم ، نماینده آنان در جهت مصلحت است،؛ در این مسئله ، او فقط دارای حق قصاص یا عفو از قصاص در مقابل دیه را دارد.

۵-۲- وجوب رعایت عدالت در دادن هدایا و بخشش به مردم . حاکم فقط در شرایط رعایت فقر وغنا ، حق عدم رعایت برابری در مقدار هدایا و بخشش را دارد نه بر اساس قرابت و هوی و هوس

۵-۳- عدم جواز تزویج صغیره بدون کفؤ از طرف قاضی یا صدور حکم قضایی بر خلاف شرط واقف یا ابراء حق عمومی یا تأجیل (به تاخیر انداختن) حق طلبکاران بدون رضایت آنان ؛ چه آنکه چنین احکامی از طرف قاضی مبتنی بر مصلحت است

۵-۴- عدم جواز توزیع نابرابر زکات از طرف حاکم یا نماینده او به مستحقین هشتگانه زکات در شرایط برابر نیاز
۵-۵- عدم جواز برای حاکم یا نماینده او در منصب شخص فاسق برای امامت نماز جماعت یا جمعه ؛ هر چند که بنابر دیدگاه گزاردن نماز پشت سرچنین شخصی صحیح ولی مکروه است ؛ چه آنکه تحمیل مردم بر عمل مکروه مبتنی بر مصلحت نیست.

۵-۶- عدم جواز اختیار -از روی هوی وهوس ومیل نفسی درباره حکم اسیران- بین قتل ، گرفتن فدیه ، برده گرداندن و منت گذاری ، بلکه حاکم در این مسئله باید بر اساس مصلحت عمل کند.

۵-۷- عدم جواز تنفیذ وصیت بیش از یک سوم درباره شخص فاقد وارث .

۵-۸- عدم جواز اعطای زمینی از زمین های منابع ملی به شخص ؛ چه آنکه این نوع بخشش به ضرر دیگر مردم است؛ همانگونه وی حق گرفتن مالی از مردم بدون دلیل مسلمی ندارد.

۵-۹- وجوب صرف اموال عمومی در مصالح عمومی با رعایت اولویت در موارد مصرف ؛ أهم فالاهم ، الأصلح فالأصلح .

۵-۱۰- وجوب رعایت مصلحت در استخدام کارمندان بر اساس تخصص مناسب با تقدیم اشخاص متخصص تر و در شرایط متساوی افراد متخصص ، دارای حق تعیین اختیاری برخی از آنان می باشد؛ همانکه دارای حق قرعه کشی بین آنان را داراست .

۶- استثنائات :

ا- اگر ولی ، مال صغیر را پیش از قبض ثمن تسلیم مستری کند، آن مال تسلیم شده به سبب عدم قبض ثمن ، استرداد نمی گردد؛ برخلاف تسلیم صغیره در باب نکاح >>>>> [شرح القواعد الفقهیه ، زرقاء : ۳۱۰]

۲- پدر یا جد غیر مست که تعیین زوج یا زوجه غیر مناسب برای صغیر یا صغیره اش ، ثابت نشده باشد ، تزویج او برای شخص غیر کفؤ هر چند به غبن فاحش ، نافذ است. [شرح القواعد الفقهیه ، زرقاء : ۳۱۰]

منابع اجمالی مباحث مربوط به قاعده مذکور :

۱- الأم ؛ امام شافعی رحمه الله : ۳۵۱/۵
۲- الأشباه والنظائر ، سیوطی : ص ۱۵۸ و پس از آن
۳- المنثور فی القواعد ، زرکشی : ۳۰۹/۱.
۴- القواعد الکبری ، عزالدین ابن عبدالسلام : ۱۱۴/۱.
۵- الأشباه والنظائر، تاج الدین سبکی : ۳۱۰/۱.
۶- مجموع الفتاوی ، ابن تیمیه : ۴۰/۳۲
۷- الفتاوی الفقهیه الکبری ، ابن حجر هیتمی :۵۰/۳
۸- حاشیه الشروانی علی تحفۀ المحتاج : ۴۳۸/۸
۹- ایضاح القواعد الفقهیه ، اللحجی : ص ۵۳
۱۰- القواعد الفقهیه علی المذهب الحنفی و الشافعی ، محمد زحیلی : ص ۴۳۶.
۱۱- مقاله : التصرف علی الرعیه منوط بالمصلحه ، ناصر غامدی .